



راز ۲ جنایت در سینه مرد ژولیده

قاتل، جسد قربانیانش را در حیاط خانه اش دفن می کرد

صاحبخانه و برادرش هم به طرز مشکوکی ناپدید شده بودند. در بررسی حیاط خانه، بخشی که به تازگی سیمان شده بود، باعث شک پلیس شد و ماموران شروع به حفاری کردند و پس از کندن حدود ۳۰ سانتی متر با جسد مردی روبه رو شدند. جسد از زیر خاک بیرون کشیده و با حضور بازپرس جنایی و تحقیقات مقدماتی جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. همسر صابر هم برای شناسایی جسد به پزشکی قانونی فرستاده شد که پیکر همسرش را شناسایی کرد. با شناسایی هویت مقتول روند رسیدگی به این پرونده وارد مرحله تازه ای شد.

در جست و جوی ۲ برادر

با توجه به رفاقت مقتول با دو برادر صاحبخانه و ناپدید شدن مرموز آنها، احتمال ارتکاب قتل از سوی آنها مطرح شد. همچنین خانه با سگ های آموزش دیده جست و جو شد، اما جسد دیگری کشف نشد. مشخصات دو برادر در اختیار پلیس استان های دیگر قرار گرفت تا این که سوم اردیبهشت سال جاری تیزهوشی پلیس بندرعباس باعث رازگشایی از قتل مرد ۵۷ ساله و افشای جنایتی دیگر شد.

اعتراف به ۲ قتل

ماموران پلیس بندرعباس در پایانه مسافری به مردی با ظاهری آشفته و ژولیده مشکوک شدند و او را برای تحقیقات به مقر پلیس منتقل کردند.

متهم به نام رحمان ابتدا دچار تناقض گویی شد، اما در ادامه لب به اعتراف گشود و به ارتکاب دو جنایت اقرار کرد. رحمان به ماموران گفت: برادرم و دوستش با هک گوشی تلفن همراه، اطلاعات آن را به دست آورده و از من اخاذی می کردند. از تهدید و آزار آنان خسته شده بودم. چهار ماه قبل بر سر تهدیدها با برادرم درگیر شدم و خواستم دست از سرم بردارم، اما او مسخره ام کرد.

من هم با او درگیر شدم و خفه اش کردم و جسدش را دفن کردم. بعد از آن نوبت انتقام از صابر، دوست برادرم بود. اوایل اسفند او به خانه مان که باتوق معتادان است، آمد و سراغ برادرم را گرفت. به طرفش حمله کردم و دست و پایش را بستم و با طنابی خفه اش کردم. جسد صابر را هم در حیاط خانه خاک کردم.

در جست و جوی جسد دومین مقتول

قاضی میرزایی، بازپرس جنایی مشهد در این باره به تپش گفت: جسد دومین قربانی هنوز کشف نشده و جست و جوها برای شناسایی محل دفن جسد ادامه دارد. وی با اشاره به اعتیاد متهم به قتل به شیشه ادامه داد: متهم ادعاهایی درباره انگیزه اش از قتل مطرح کرده که در حال بررسی صحت آن هستیم.

ماموران پلیس بندرعباس زمانی که به مرد ژولیده شک کردند، تصور نمی کردند او راز دو جنایت را در سینه دارد. قاتل پس از کشتن قربانیان خود، جسد آنها را در باغچه خانه اش دفن می کرد تا کنون پیکری یکی از مقتولان کشف شده است. مرد جوان ادعا کرد برادرش و دوست او را به خاطر این که اذیتش می کردند به قتل رسانده است.

امیرعلی
حقیقت طلب
تپش

شد و با دستور قاضی میرزایی، بازپرس جنایی مشهد تحقیقات برای کشف راز ناپدید شدن صابر آغاز شد. ماموران در نخستین گام شماره پلاک خودروی صابر را ردیابی کردند و ۲۰ اسفند پراید او را بدون سرنشین کنار خیابان یافتند.

بررسی خودرو و تحقیقات از اهالی محل پارك ماشین نشان داد، چند روزی است ماشین در آن محل پارك شده است. ماجرا به بازپرس میرزایی گزارش شد و تحقیقات در محل ادامه پیدا کرد.

کشف نخستین سرنخ

ماموران با تجسس های خود پی بردند در آن کوچه باتوق معتادان وجود دارد. با افشای این موضوع و ادعاهای همسر صابر ماموران احتمال دادند صابر در باتوق معتادان باشد به همین خاطر وارد خانه شدند، اما کسی آنجا نبود.

تحقیقات پلیسی در این پرونده همزمان با گزارش مرد میانسالی در دستور کار پلیس قرار گرفت. مرد میانسال با خودروی پرایدش ضایعات جمع می کرد که ششم اسفند سال گذشته سوار بر خودرو از خانه اش در یکی از محله های مشهد خارج شد و دیگر بازنگشت.

پس از طولانی شدن غیبت مرد میانسال به نام صابر، همسرش با مراجعه به پلیس آگاهی خراسان رضوی شکایتی مطرح کرد و به ماموران گفت: شوهرم ضایعات جمع می کند و ششم اسفند با خودروی خود از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. او عادت داشت بعضی شب ها به خانه نیاید اما این بار غیبتش طولانی شد و احتمال می دهم بلایی سرش آمده باشد.

زن میانسال ادامه داد: شوهرم اغلب مواقع به باتوق معتادان می رفت و شب ها هم همانجا می خوابید.

پس از این شکایت، پرونده در دادسرای مشهد تشکیل

ادعای عجیب ربایندۀ دختر ۱۵ ساله

مرد میانسال که به اتهام ربودن دختر ۱۵ ساله پای میز محاکمه قرار گرفته بود در دفاع از خود، ادعای عجیبی مطرح کرد. متهم مدعی است از دختر نوجوان کمک گرفته تا مواد مخدر را از ایست و بازرسی عبور دهد.

در این پرونده، مرد ۵۵ ساله ای به نام غلامرضا مرداد ۹۷ يك دختر ۱۵ ساله را ربود. پس از رهایی دختر ۱۵ ساله و شکایت او در پلیس آگاهی پاکدشت، ماموران وارد عمل شدند و او را دستگیر کردند.

متهم پس از صدور کیفرخواست برای پرونده اش، در شعبه دوم دادگاه کیفری يك استان تهران به ریاست قاضی زالی و با حضور يك قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد. وی گفت: من به تریاک اعتیاد داشتم. آن روز خمار بودم و مقداری مواد تهیه کرده بودم و می خواستم آن را به خانه ببرم و استفاده کنم. اما مجبور بودم برای رفتن به خانه از ایست بازرسی پلیس عبور کنم. می ترسیدم پلیس به من شک کند و بازداشتم

کند. به همین خاطر دختر نوجوان را که کنار زمین کشاورزی در حاشیه پاکدشت ایستاده بود، سوار موتور کردم.

وی ادامه داد: پدر و مادر دختر نوجوان مشغول کار بودند و حواسشان به دخترشان نبود. به همین خاطر من از دختر نوجوان خواستم همراهم بیاید. او هم خودش قبول کرد و سوار موتور شد.

مواد را به او دادم و بعد از عبور از ایستگاه پلیس، او را به خانه بردم و مشغول کشیدن مواد شدم. من هیچ بلایی سراو نیاوردم و می خواستم چند ساعت بعد او را به محل زندگی اش برگردانم که بازداشت شدم.

متهم میانسال گفت: دختر نوجوان خودش گفته من او را اذیت و آزار نکرده ام. من فقط به خاطر حمل مواد و عبور از ایستگاه پلیس ناچار شدم او را سوار موتور کنم. به همین خاطر اتهام آدم ربایی را قبول ندارم. در پایان جلسه قضات دادگاه وارد شور شدند تا درباره وی تصمیم گیری کنند.